

بررسی و نقد کتاب «روشن‌شناسی پژوهش در مطالعات ترجمه»

مسعود خوش‌سلیقه*

عبداله نوروزی**

چکیده

پژوهش نظام‌مند و شناخت شیوه‌ها و رویکردهای رسیدن به مطلوب علمی، دغدغه‌های مهم جامعه علمی‌اند. نمود این دغدغه‌ها در مطالعات ترجمه تلاش‌های پراکنده‌ایست در قالب مقاله‌ها و کتابهایی روزافزون. روشن‌شناسی پژوهش در مطالعات ترجمه نیز تلاشی است در جهت تهیه منبعی جامع درباره روش پژوهش ویژه مطالعات ترجمه. در این کتاب، سالدانا و ابراین میان‌رشته‌ای بودن مطالعات ترجمه را پیوسته در نظر داشته‌اند و درک معرفت‌شناسی و غایت‌شناسی پژوهش را مقدم بر هر اقدامی در این زمینه دانسته‌اند؛ این دو مؤلفه‌ها و عناصر پژوهش را تبیین کرده‌اند، اخلاق پژوهش را از نظر دور نداشته و براساس مطالعات توصیفی ترجمه، به روش‌ها و رویکردهای خاص پژوهش ترجمه پرداخته‌اند. در نقد پیش‌رو، نخست فصول هفتگانه این کتاب از نظر گذرانده شده است. در ادامه به بررسی و نقد ساختار و محتوای کتاب پرداخته شده و نقاط ضعف و قوت آن بحث شده است. نویسندگان نقد پیش‌رو، با نگاهی به هدف کتاب و بررسی کاستی‌ها و نقاط قوت آن، مناسب‌بودنش را برای تدریس در دوره‌های ارشد و دکتری در دانشگاه‌های ایران جویا شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: نقد، روشن‌شناسی، اصول پژوهش، پژوهش‌های تجربی، مطالعات ترجمه

* استادیار مطالعات ترجمه، دانشگاه فردوسی مشهد. نویسنده مسئول، khoshsaligheh@um.ac.ir
** دانشجوی دکتری مطالعات ترجمه، دانشگاه فردوسی مشهد، ab.nowruzy@mail.um.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۱۲

۱. مقدمه

کتاب روش‌شناسی پژوهش در مطالعات ترجمه (Research Methodologies in Translation Studies) اثر مشترک گابریلا سالدانا (Gabriela Saldanha)، عضو هیئت علمی دانشگاه بیرمنگام و شارون اُبراین (Sharon O'Brien)، عضو هیئت علمی دانشگاه دوبلین سیتی ایرلند است. این کتاب در هفت فصل و ۲۹۲ صفحه تنظیم شده و سنت جروم، انتشارات اختصاصی مطالعات ترجمه، آن را در سال ۲۰۱۳ منتشر کرده است. این کتاب بعد از نقشه: راهنمای مبتدیان برای پژوهش در مطالعات ترجمه، نوشته جنی ویلیامز و اندرو چسترمن، دومین کتاب تخصصی است که درباره مبانی و اصول پژوهش رشته نوپای مطالعات ترجمه نوشته شده است. این کتاب بلافاصله بعد از انتشار، در ایران به‌طور ویژه در دوره‌های دکتری مطالعات ترجمه به‌عنوان منبع اصلی آموزش پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است.

پژوهش مطالعات ترجمه در طی چند دهه گذشته پیشرفت محتوایی و روش‌شناختی چشمگیری را تجربه کرده است. در دهه‌های نخستین توجه به ترجمه به‌عنوان پدیده‌ای زبان‌شناختی و دسته‌اول و نه به‌عنوان روش و ابزار آموزش زبان و ادبیات، این حوزه پژوهشی از مفاهیم زبان‌شناسی بهره می‌برد و پژوهش‌های انجام‌شده صرفاً زبانی و غالباً بر مبنای مقایسه استوار بود. در واقع سه حوزه کارگاه‌های ترجمه در امریکا، ادبیات تطبیقی و تحلیل مقابله‌ای به‌طور موازی از ابتدا به نظریات و مطالعات ترجمه کمک کردند (Munday, 2001) و مبنای کار هر سه حوزه مقایسه بود. ماهیت کار کارگاه‌های ترجمه معرفی ترجمه‌های جدید به فرهنگ مقصد و بحث درباره اصول فرآیند ترجمه و فهم متن بود. ادبیات تطبیقی نیز با بررسی و تحلیل روابط و تعامل ادبی ملل مختلف و تحلیل مقابله‌ای با مقابله زبان‌ها و کشف تفاوت‌ها و شباهت‌های بین آن‌ها به این پیشرفت کمک کردند.

تلاش‌های محققان و صاحب‌نظران برای واکاوی و تبیین ماهیت ترجمه، جریان بررسی‌های فردی را نظام‌مندتر کرد. اگر چهار دهه نخست قرن بیستم را دوران اثبات ماهیت مستقل ترجمه و بحث‌های انتزاعی نشئت‌گرفته از سنت ادبی و فلسفی آلمان بدانیم و دهه‌های چهل و پنجاه را دوران گذار بحث‌های پیرامون ترجمه‌پذیری (Venuti, 2000)، نیمه دوم قرن بیستم با مفهوم تعادل در ترجمه و استقلال ترجمه به‌عنوان حوزه پژوهشی و دانشگاهی پیوند خورده است. در نیمه نخست قرن بیستم یا مرحله پیش‌زبان‌شناختی نظریه ترجمه، عمدتاً متون ادبی یعنی شعر، داستان کوتاه،

نمایش‌نامه و رمان موضوع بحث بودند (Newmark, 2009). در اوایل نیمه دوم اما، هم در روش و هم در موضوع پژوهش تغییراتی چشمگیری رخ داد. در مرحله ارتباطی نظریات ترجمه، استفاده از چارچوب‌های زبان‌شناسی رواج پیدا کرد و مفاهیمی نظیر دستور نظام‌مند (systemic grammar) هالیدی و دستور زایشی-گشتاری (transformational-generative grammar) چامسکی وارد مطالعات ترجمه شدند (Anderman, 2007). موضوع مطالعات ترجمه نیز دیگر تنها متون ادبی نبودند و متون علمی نیز مورد توجه قرار گرفتند. دسته‌بندی انواع متون و توجه به خوانندگان، نشانه‌های گسترش حوزه‌های پژوهشی در دهه‌های بعد بود.

اما عمده تغییر در روش‌شناسی و موضوع پژوهش‌های ترجمه با معرفی نقشه راه هولمز (Holmes' "Map" of Translation Studies) میسر شد. هولمز (۱۹۸۸) با تفکیک و دسته‌بندی موضوعات پژوهش‌های ترجمه‌ای و نهادن عنوان «مطالعات ترجمه» بر تلاش‌های پراکنده زبان‌شناختی، روان‌شناختی، تاریخی و غیره، نقش عمده‌ای در استقلال ترجمه از زبان‌شناسی و تغییر رویکرد روش‌شناسی پژوهش ایفا کرد. دسته‌بندی‌های دقیق محتوایی و فراخوان وی برای توجه به توصیف به جای تجویز راه را برای تفکر منسجم فراهم کرد و بعد از آن بود که اندیشه و مفاهیم دیگر حوزه‌ها راهی به درون مطالعات توصیفی همگرا با محوریت ترجمه پیدا کردند. علاوه بر زبان‌شناسی که همچنان این رشته نوپا را تحت تأثیر قرار داده، روان‌شناسی، مطالعات فرهنگی، فلسفه، سیاست، ادبیات و بسیاری از رشته‌های دیگر علمی مفاهیم زیادی وارد حوزه مطالعات ترجمه کردند. در این بین روش‌شناسی‌های گوناگونی نیز برای بررسی مفاهیم مرتبط، وام گرفته شده و با تطبیق و اصلاح تکنیک‌ها به‌کار گرفته شده‌اند. تحلیل انتقادی گفتمان، پروتکل فکرگویی (think-aloud protocol) و زبان‌شناسی پیکره‌ای از جمله چارچوب‌هایی هستند که مورد توجه قرار گرفته‌اند. در چند سال اخیر آثاری چند در صدد تبیین انواع روش‌شناسی و روش‌های کارآمد پژوهش ترجمه برآمده‌اند. کتاب پیش رو نیز به مقوله روش‌شناسی پژوهش مطالعات ترجمه پرداخته است.

۲. ساختار کتاب

عنوان فصل نخست «مقدمه» است. در این فصل بسیار کوتاه نویسندگان به روند رو به افزایش برنامه‌های آموزش ترجمه در سراسر جهان و رشد سریع تعداد دانشجویان

مقاطع ارشد و دکتری در چند سال اخیر اشاره می‌کنند. این افزایش، حرکت به سوی اشکال ملموس آموزش پژوهش در مطالعات ترجمه را ضروری ساخته است. در بخش اول مقدمه، انگیزه نویسندگان از نوشتن این کتاب بیان شده است. عطش علاقه‌مندان به پژوهش برای در اختیار داشتن منبعی مستقل در زمینه پژوهش مطالعات ترجمه و نیز پیشرفت روش‌شناختی این حوزه پژوهشی از زمان انتشار کتاب ویلیامز و چسترمن، نویسندگان این کتاب را بر آن داشته تا کتابی با ویژگی‌های خاص برای علاقه‌مندان تألیف کنند. این دو، کار خود را بر پایه اثر ویلیامز و چسترمن استوار کرده‌اند. در بخش دوم مقدمه، حدود و قصور کتاب به رشته تحریر در آمده است. همه تلاش نویسندگان این است تا میان‌رشته‌ای بودن مطالعات ترجمه را نشان داده و دیدگاه‌های معرفت‌شناختی و غایت‌شناختی آن را تبیین کنند. در ادامه نیز محتوای هفت فصل کتاب به‌طور خلاصه شرح داده شده است.

عنوان فصل دوم «اصول و اخلاق پژوهش» است. این فصل مسائل عمومی پیش روی پژوهش‌گر را در بر گرفته و با ارائه مثال تلاش شده است آن‌ها را در بافت مطالعات ترجمه قرار دهد. این فصل با بحثی مختصر درباره غایت‌شناسی و معرفت‌شناسی به‌عنوان دو مفهوم کلیدی در روش‌شناسی پژوهش آغاز می‌شود. در ادامه مفاهیم اصلی پژوهش نظیر مفهوم، نظریه و نوع‌شناسی به اختصار تعریف شده و بین روش‌شناسی و روش تمیز داده می‌شود. برای مثال در این اثر، روش‌شناسی، مفهومی وسیع و «رویکرد کلی مطالعه یک پدیده» (Saldanha and O'Brien, 2013: 13) و روش، «فن خاص پژوهش» (Ibid) تعریف می‌شوند. بعد از تعریف مختصر مفاهیم مهم پژوهش، آن‌ها را در قالب مثالی فرضی از حوزه مطالعات ترجمه بیان کرده تا برای خواننده قابل فهم گردد.

همچنین در این فصل انواع پژوهش به‌طور خلاصه شرح داده شده و مؤلفه‌ها و عناصر آن‌ها تبیین می‌شود. انواع سؤال پژوهش و فرضیه‌های ممکن نیز بیان می‌شوند. نویسندگان سؤال پژوهش را به چهار دسته سؤال‌های اکتشافی (explorative)، توصیفی (descriptive)، تبیینی (explanatory) و ارزیابانه (evaluative) دسته‌بندی می‌کنند و به همین ترتیب فرضیه‌ها را نیز چهار گروه فرضیه‌های توصیفی، تبیینی، پیش‌بینی‌کننده (predictive) و تفسیری (interpretive) معرفی می‌کنند. در ادامه و قبل از پرداختن به روش‌های کمی، کیفی و ترکیبی، دو مقوله مهم هر پژوهش یعنی «پیشینه پژوهش» و «ماهیت داده‌های گردآوری شده» به‌طور خلاصه شرح داده می‌شوند. تعریف فینک

(Fink, 2005) از پیشینه پژوهش نقل شده و مفاهیم کلیدی آن یعنی نظام‌مندی، شفافیت (explicit) و قابلیت تولید (reproducibility) تبیین می‌شوند، چنانکه نظام‌مندی را شناسایی، مطالعه و ارزیابی تمام منابع مرتبط با موضوع می‌داند؛ شفافیت به تبیین تمام عناصر دخیل و کنار گذاشته شده اعم از کارهای انجام شده، نویسندگان، دوره یا دوره‌های زمانی، زبان‌ها و غیره اشاره دارد و قابلیت بازتولید، صفت هر پژوهشی است که بر آن است با مستندسازی شفاف، راه پیموده شده پژوهش را به دیگرانی که علاقه‌مند به انجام مجدد آن هستند، نمایان سازد. در تولید پیشینه‌ای درخور توجه، تعیین روش طی طریق و پرسیدن سؤال‌های جهت‌دهنده حائز اهمیت است. پژوهش‌گر می‌تواند نویسنده به نویسنده، حوزه به حوزه و یا موضوع به موضوع و غیره، پیشینه پژوهش را پیش ببرد. هرچند دیدگاه‌ها در این زمینه متفاوتند اما آنچه مهم‌ترین ویژگی مرور پیشینه محسوب می‌شود، نگاه انتقادی پژوهش‌گر است. برقراری تعادل در نگاه انتقادی و پرهیز از افراط و مرعوب متن و نویسنده شدن چالشی است که بیشتر پژوهش‌گران مبتدی با آن روبه‌رو هستند. نوع داده‌های ساختارمند و غیرساختارمند نیز در رویکرد کیفی یا کمی پژوهش جایگاهی تعیین‌کننده دارد. اما هشتمین بخش این فصل، رویکرد کمی و کیفی به پژوهش است که به‌طور کاملاً خلاصه به تعریف و تبیین ماهیت این رویکردها می‌پردازد. مفهوم عملیاتی‌سازی پژوهش که یکی از اصطلاحات مفقود مباحث نظری برخی از پژوهش‌هاست به صورت خلاصه اما گویا در بخش نهم این فصل مورد بحث قرار گرفته است. در این بخش علاوه بر تعریف عملیاتی (operational definition)، متغیرهای مستقل و وابسته و دو مفهوم کلیدی واحد داده و واحد تحلیل تبیین می‌شوند. به اعتقاد نویسندگان، اگرچه واحد داده و واحد تحلیل ارتباطی نزدیک دارند، هر کدام از این دو ممکن است در سطحی متفاوت از یکدیگر باشند. برای مثال ممکن است در پژوهشی واحد داده سطح کلان و متن باشد در حالی که واحد تحلیل به جمله، عبارت یا حتی واژگان شکسته شود. در بخش دهم این فصل، کیفیت پژوهش و مفاهیم مرتبط با آن مانند روایی و پایایی، قابلیت تعمیم، انواع نمونه‌گیری و داده‌گیری، از جمله مواردی هستند که به آن‌ها پرداخته شده است. در بخش یازدهم نیز اخلاق پژوهش، مفهومی مرتبط و درهم‌تنیده با کیفیت پژوهش، مورد بحث قرار می‌گیرد. بخش یازدهم یعنی اخلاق پژوهش در ترجمه از جمله نقاط قوت این کتاب است که تقریباً به صورت مبسوط به آن پرداخته شده است. از آنجایی که در دو طرف طیف ترجمه، انسان مطرح است و ترجمه، فرآورده تولیدی عامل انسانی و محصول مورد مصرف

جامعه انسانی است، امروزه بخشی از پژوهش‌ها معطوف مؤلفه‌های انسانی دخیل در ترجمه شده است. به نظر می‌رسد این مهم نیز بیشتر از جنبه‌های دیگر پژوهش مورد توجه نویسندگان در این بخش قرار گرفته و آن‌ها بیش از هر چیز سعی می‌کنند پژوهش‌گر مبتدی را از خطاهای اخلاقی بالقوه در خود پژوهش‌گر و در برخورد با جامعه انسانی مورد پژوهش بر حذر دارند. اختصاص عناوین این بخش به مباحثی نظیر «اخلاق در بافت»، «فریب»، «روابط قدرت» و «پرهیز از آسیب» دلیلی بر این مدعا است.

عنوان فصل سوم «پژوهش فرآورده-محور» است. این فصل به رویکردهای روش‌شناختی در پژوهش فرآورده‌متنی ترجمه می‌پردازد. پژوهش بر روی متون ترجمه‌شده را می‌توان با هدف ارزشیابی یا با هدف توصیف و تبیین انجام داد، اما رویکردهای روش‌شناختی به کار رفته برای نیل به هر یک از این اهداف متفاوت است. در بحث رویکردهای توصیفی/تبیینی به تحلیل زبان، مفاهیم تحلیل انتقادی گفتمان و زبان‌شناسی پیکره‌ای معرفی می‌شوند و طراحی پژوهش در هر یک، مورد بحث قرار می‌گیرد. در این بین، مشکلات پیش روی پژوهش‌گر در انتخاب غیرجهت‌دار متون به‌عنوان واحد پژوهش و شناسایی و معرفی انواع پیکره‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

ایجاد پیکره‌ها از پرمشقت‌ترین و وقت‌گیرترین کارهای پژوهش در مطالعات ترجمه است و هنوز جامعه دانشگاهی نتوانسته پشتوانه مالی لازم را برای این کار با خود همراه سازد، از این رو پژوهش‌گران گزینه‌های زیادی برای انتخاب پیکره‌های پیش‌ساخته ندارند و ناچار به ساخت پیکره‌اند. یکی از ضروریات این کار آشنایی با معیارهای ساخت پیکره است. در ادامه این مباحث، تحلیل متون و پیکره‌ها و ابزار تحلیل پیکره مورد توجه ویژه قرار گرفته و معرفی می‌شوند. در رویکرد دوم که سنجش کیفیت ترجمه است به نقاط قوت و ضعف مدل‌های سنجش و ارزیابی کیفیت ترجمه می‌پردازد. در این راستا وجود معیارهای عینی ترجمه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نظریات مختلف و مدل‌های مختلف سنجش ترجمه معرفی می‌شوند تا پژوهش‌گر مبتدی را با انواع مدل‌ها و راه‌های انتخاب شیوه گردآوری و مفاهیم کلیدی مدل مناسب آشنا سازند. گردآوری این نوع داده‌ها و تحلیل آن‌ها نیز بخش پایانی این فصل است.

عنوان فصل چهارم «پژوهش فرآیند-محور» است. بعد از آنکه نویسندگان فصل سوم را به پژوهش فرآورده-محور اختصاص دادند، این فصل به مسائل و مباحث

پژوهش فرآیند-محور ترجمه می‌پردازد. این نوع پژوهش به دنبال فهم رفتار، مهارت و فرآیندهای شناختی مترجم کتبی یا شفاهی و کشف روابط بین شناخت مترجم و محصول ترجمه است (Saldanha and O'Brien, 2013: 109). نکته مهم درهم‌تیندگی ترجمه و بافت اجتماعی است. از این رو، این نوع پژوهش به دنبال درک تأثیر بافت بر فرآیند ترجمه نیز هست. در نخستین گام‌ها نویسندگان در این فصل سعی می‌کنند دیرینه این نوع پژوهش را به‌طور مختصر دنبال کرده و موضوعات مهمی را که تاکنون مورد پژوهش واقع شده، بیان کنند. چنانکه بیان شده است، یکی از موضوعات مهم و محوری پژوهش فرآیند ترجمه تاکنون بحث فراشناخت (Metacognition) بوده است. حافظه درکار (working memory) و ریتم شناختی (cognitive rhythm) مترجمان یا تراوش خلاقیت بین دو مکث (burst of creativity) و نیز خود خلاقیت از دیگر موضوعاتی هستند که تاکنون پژوهش‌گران سعی در شناخت ابعاد و ویژگی‌های مرتبط با آن‌ها داشته‌اند. اما موضوع اصلی که تاکنون در پژوهش فرآیند ترجمه مورد توجه قرار گرفته، مفهوم توانش ترجمه است. در سال‌های نخست پژوهش فرآیند، غالباً روش‌های درون‌نگر (introspective) مانند گزارش‌های شفاهی در پروتکل فکرگویی به‌کار می‌رفته‌اند، اما به مرور زمان و با رشد فناوری در این حوزه، ابزارهایی نظیر نرم‌افزار ثبت استفاده از صفحه کلید (keystroke logging)، ضبط تصویری نمایشگر (screen recording) و ردیابی حرکت چشم (eye-tracking) مورد استفاده قرار گرفته‌اند. کاستی‌های روش‌های به‌کار رفته، پژوهش‌گران را به سمت ترکیب روش‌های گوناگون سوق داده است. در حال حاضر همگان بر لزوم چندوجهی‌سازی (triangulation) و مقایسه نتایج به‌دست‌آمده از روش‌های گوناگون و نیز بر تحلیل فرآیند در کنار تحلیل فرآورده متفق‌القول‌اند. برای مثال، آلوز و همکارانش (Alves et al., 2010) از ترکیب پژوهش فرآورده-محور با فرآیند-محور حمایت کرده و معتقدند هرکدام از این دو نوع پژوهش هنوز با چالش‌های زیادی روبه‌رو بوده و بهترین روش برای مقابله با این چالش‌ها ترکیب این دو روش است. مسائل عمومی و مشترک روش‌های گوناگون پژوهش فرآیند-محور و پرسش‌های مرتبط با آن‌ها تحت سه عنوان طرح، داده‌گیری و تحلیل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. برای مثال، از مشکلات عمده و عام طرح پژوهش‌های فرآیند و روش‌های به‌کار رفته، شرکت‌کنندگان در پژوهش است. اتخاذ طرح‌های بین‌فردی (between-subject design) یا میان‌فردی (within-subject design)، هرکدام با مشکلات و معایبی همراه است. بافت خاص

داده‌گیری در روش‌های پژوهش فرآیند نیز با مشکلاتی همراه است. برای مثال، محیط آزمایشگاه‌مانند در فرآیند داده‌گیری، احتمال تأثیر حضور پژوهش‌گر را به‌همراه دارد و مشکل عام تمام روش‌ها در مرحله تحلیل، واحد تحلیل است. سه بخش بعدی این فصل به عمده‌روش‌های پژوهش فرآیند اختصاص یافته است. در هر یک از این بخش‌ها، مسائل، مشکلات و مباحث مطرح شده درباره روش مورد نظر، همانند بخش قبل تحت سه عنوان طرح، داده‌گیری و تحلیل مطرح می‌شود. عناوین این سه روش عبارت‌اند از روش درون‌نگر یا مشاهده مستقیم و گزارش، ثبت استفاده از صفحه‌کلید و ردیابی حرکت چشم. علاوه بر این سه روش مهم و اصلی، سه روش فرعی و کم‌کاربرد یعنی پژوهش بافتی (contextual inquiry)، توصیف شخصیت (personality profiling) و سنجش فیزیولوژیکی (physiological measurements) نیز در بخش روش‌های مکمل و جایگزین به‌طور خلاصه مورد بحث قرار می‌گیرد.

عنوان فصل پنجم «پژوهش شرکت‌کننده-محور» است. عوامل انسانی به‌ویژه مترجم شفاهی و کتبی از مهم‌ترین عوامل دخیل در فرآیند ترجمه‌اند. برخی پژوهش‌گران درباره نقش و جایگاه عوامل انسانی در فرآیند ترجمه قلم زده‌اند و برخی به کشف و توصیف رابطه بین بافت اجتماعی، فرآیند و عوامل انسانی دخیل پرداخته‌اند و چارچوب نظری خاصی را برای مطالعه این روابط ارائه کرده‌اند. در همین راستا، چسترمن (Chesterman, 2009) مطالعات مترجم را به‌عنوان شاخه پژوهشی جدیدی به نقشه هولمز اضافه می‌کند.

روش‌هایی که در این فصل مورد بحث قرار می‌گیرند عبارت‌اند از پیمایش‌های پرسش‌نامه-محور (questionnaire survey)، مصاحبه و مصاحبه گروهی (focus group). همه این روش‌ها فرآورده‌های اصلی پژوهش جامعه‌شناختی‌اند، بنابراین برای پیشرفت جامعه‌شناسی ترجمه از اهمیت بسزایی برخوردارند. اما تاکنون بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده، مفهومی (conceptual research) هستند. یعنی به این مهم می‌پردازند که «چگونه مفاهیم و نظریه‌های جامعه‌شناسی و حوزه‌های جانبی، روش‌های جدید و مؤثری برای فهم ترجمه ارائه می‌کنند» (Saldanha and O'Brien, 2013: 150). مسئله محوری همه این روش‌ها، شرکت‌کنندگان هستند. در اینجا دو معنای متفاوت اما مکمل برای شرکت‌کنندگان مد نظر است. در معنای نخست، شرکت‌کنندگان که باید آن‌ها را کارگزاران (agents) نامید، در فرآیند ترجمه دخیل‌اند نظیر مترجمان، مدرسان ترجمه، دانشجویان، سفارش‌دهندگان و غیره و معنای دوم به شرکت‌کنندگان در

پژوهش اشاره دارد؛ یعنی کسانی که در فرآیند پژوهش دخیل‌اند. بعد از مقدمه‌ای کوتاه، پرسش‌نامه مورد بحث قرار گرفته، نقاط قوت و ضعف پرسش‌نامه در این نوع پژوهش بیان شده و مسئله مهم طراحی پژوهش‌های مبتنی بر پرسش‌نامه و عناصر و ارکان آن مورد مذاقه قرار می‌گیرند.

عملیاتی‌سازی پرسش‌های پژوهش و تعداد و عبارت‌بندی آن‌ها، نوع پرسش‌ها از جمله پرسش‌های باز و بسته نیز مورد بحث قرار می‌گیرند. در ادامه مزیت‌ها و معایب هریک از این دو نوع بیان می‌شوند. چنانکه پرسش‌های بسته، داده‌های ساختارمند (structured data) تولید کرده و می‌توان آن‌ها را به‌طور کمی تحلیل کرد، اما از معایب آن‌ها این است که تفاوت‌های اندیشگانی جزئی افراد شرکت‌کننده را نشان نمی‌دهند. در عوض، پرسش‌های باز تا حدودی ماهیت محدود پرسش‌نامه را جبران می‌کنند، اما این نوع پرسش‌ها نیز معایب و مشکلاتی مانند زمان‌بر بودن فرآیند تکمیل پرسش‌نامه و تفسیر پاسخ‌ها را به‌همراه دارد. طیف‌های لیکرت، آزمون‌های آزمایشی (pilot testing)، پایایی و روایی و تأملات اخلاقی مرتبط با پرسش‌نامه از دیگر مسائلی هستند که در این فصل مطرح شده‌اند.

در اینجا نویسندگان در رسیدن به داده‌های مد نظر تمایز قائل شده‌اند و از دو اصطلاح داده‌گیری (data elicitation) و گردآوری داده (data gathering) استفاده می‌کنند. در ابتدا، گردآوری داده با استفاده از پرسش‌نامه، مصاحبه و مصاحبه گروهی و طراحی این روش‌ها و مسائل مرتبط نظیر انواع مصاحبه‌های گروهی و مصاحبه، مسائل زبانی و نیز اخلاق مرتبط مطرح شده و در ادامه، داده‌گیری با استفاده از مصاحبه و مصاحبه گروهی مورد بحث قرار می‌گیرند. تحلیل داده‌های کمی و کیفی و نیز تحلیل در روش‌های ترکیبی بخش‌های پایانی این فصل‌اند.

فصل ششم به «پژوهش بافت-محور» و اختصاصاً مطالعات موردی پرداخته است. تمرکز این فصل بر روی چگونگی بررسی عوامل بیرونی تأثیرگذار بر مترجم، موقعیت‌هایی که ترجمه در آن‌ها انجام می‌شود و چگونگی تأثیر ترجمه‌ها بر فرهنگ مقصد است. بنابراین مواردی نظیر تأثیر عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ایدئولوژیکی و سانسور بر مترجم در این حوزه قرار می‌گیرند. در واقع این نوع پژوهش، زیرشاخه مدل‌های فرهنگی و جامعه‌شناختی مد نظر مارکو (Marco, 2009) قرار می‌گیرد. اگرچه به‌طور سنتی پژوهش بافت-محور در مطالعات ترجمه، فرهنگی و جامعه‌شناختی است، دیگر حوزه‌ها نظیر علوم سیاسی و روان‌شناسی نیز تغذیه‌کننده

مفاهیم و روش‌های مورد نیاز مطالعات ترجمه است. از آنجایی که بررسی و پرداختن به روش‌شناسی‌های موجود در این سرمنشأها در این کتاب امکان‌پذیر نیست، نویسندگان، مطالعات موردی را به‌واسطه اشتها آنها در همه حوزه‌ها و انعطاف‌پذیری آنها به‌لحاظ استفاده از دامنه وسیعی از داده‌ها انتخاب کرده‌اند. در سراسر این فصل، سه مطالعه موردی متعلق به کاسکینن (Koskinen, 2008)، سوسام-ساراجوا (Susam, 2006) و استورج (Sturge, 2004) جهت تبیین و توضیح به‌کار می‌روند و پیوسته به این پژوهش‌ها اشاره و ارجاع می‌شود. در ابتدا مطالعه موردی تعریف شده و ویژگی‌های آن با دقت تبیین می‌شود. در اینجا، بر لزوم تمیز بین نمونه (sample) و مورد (case) تأکید می‌شود؛ چنانکه نمونه، بخش کوچکی از یک گروه و نماینده آن محسوب می‌شود و بررسی آن به پژوهش‌گر این اجازه را می‌دهد تا تمام یافته‌ها را به کل گروه تعمیم دهد؛ اما مورد، به خودی خود کامل است. هرچند «مورد» نیز جزئی از یک جامعه محسوب می‌شود، نکته اینجاست که مطالعه موردی بدون پیش‌فرض تعمیم‌پذیری نتایج به کل جامعه انجام می‌شود.

جایگاه و زمان به‌کارگیری مطالعه موردی نیز در این فصل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در واقع این روش پژوهش از جمله روش‌های کیفی به‌شمار می‌رود که به سه طریق به تولید دانش کمک می‌کند: در جستجوی پاسخ به سؤال‌های چگونه و چرا، در تولید فرضیه (در مقابل آزمودن فرضیه) و در آزمودن امکان‌پذیری (viability) چارچوبی نظری. طرح مطالعه موردی، انواع مطالعه موردی، چگونگی دقیق‌تر کردن و عملیاتی‌سازی این پژوهش و گردآوری داده در مطالعات موردی از مباحث بعدی این فصل‌اند. منابع نوشتاری، گزارش‌های شفاهی، مشاهده مستقیم و آثار هنری نیز از جمله منابع داده در این نوع پژوهش به‌شمار می‌رود. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد تمام ارجاعات و اشارات این بخش‌ها به مطالعات موردی‌ایست که در ابتدای فصل معرفی شده‌اند. مبحث انتهایی این بخش نیز تحلیل داده‌های مطالعات موردی، اصول کلی و پیشنهادهای کاربردی است.

عنوان فصل هفتم «نتیجه: گزارش پژوهش» است. در فصل پایانی این کتاب، نکات مهم نگارش پژوهش بیان می‌شوند. بعد از مقدمه و معرفی کوتاه فصل، شیوه‌های تنظیم و سازمان‌دهی ارائه مطالب پژوهش و مزایا و معایب ساختار سنتی IMRAD (مقدمه، روش، نتایج و بحث) به‌همراه اصول چینش زمانی و علی‌معلولی مورد بحث قرار می‌گیرد. شکل گزارش تا حدودی به طرح پژوهش و ماهیت داده‌ها بستگی دارد.

پژوهش تجربی (empirical research) از قدیم از ساختاری موسوم به IMRAD پیروی کرده است که گویای مراحل فرآیند پژوهش است. این ساختار علی‌رغم انتقادهای واردشده، این مزیت را دارد که خواننده می‌تواند به‌سرعت مطالب مورد نیاز خود را در مقاله بیابد. چه پژوهش‌گر از همین ساختار استفاده کند یا روش دیگری در پیش بگیرد، یافته‌ها باید به‌گونه‌ای ارائه شوند که از چینش و نظم خاصی برخوردار بوده و خواننده را سردرگم نسازند. به‌جز مقدمه و نتیجه که همیشه باید در جایگاه خود قرار گیرند، بقیه گزارش را می‌توان به اشکال گوناگون ارائه کرد. ترتیب علی و معلولی و ترتیب زمانی از جمله روش‌های مهم ارائه مطالب‌اند. مقدمه پژوهش، پیشینه پژوهش و نتایج به‌عنوان عناصر اصلی پژوهش در بخشی جداگانه مورد بحث قرار می‌گیرند. ارائه داده‌های کیفی و کمی و داده‌های زبانی بخش‌های پایانی این فصل‌اند.

۳. بررسی و نقد ساختاری و صوری

هر فصل یک مقدمه در ابتدا و یک خلاصه در انتها دارد. مقدمه تعیین‌کننده نگرش و نگاه خواننده به کل اثر است، بنابراین یکی از بخش‌های مهم هر اثر علمی محسوب می‌شود. بیان دقیق حدود محتوای هر فصل این کتاب و موجز بودن توضیحات آن، خواننده را به‌خوبی با محتوای کلی فصل آگاه می‌سازد. نویسندگان تنها به تعیین حدود محتوا بسنده نکرده و با قرار دادن موضوع در بافت پژوهشی مربوط، ذهن خواننده را آماده ارائه مطالب می‌سازند. نکته جالب اینکه نخستین فصل کتاب نیز عنوان مقدمه به خود گرفته و مبین اطلاعات کلی اثر و ترتیب ارائه مطالب است. در پایان هر فصل نیز خلاصه‌ای کوتاه از محتوا ارائه شده است. خواندن مقدمه و خلاصه آنها، درک بهتری به خواننده می‌دهد.

یکی دیگر از نقاط قوت این کتاب دسته‌بندی‌های منظم و برجسته‌سازی صوری مفاهیم و عبارات مهم است. مفاهیم و اصطلاحات کلیدی پژوهش مطالعات ترجمه برجسته و درشت نوشته شده است؛ نکته‌ای که بر آموزشی و کاربردی بودن این کتاب صحنه می‌گذارد. زودپایی اصطلاحات و تعابیر با تورق بخش‌های مرتبط، از مزایای این کتاب است. دسته‌بندی‌های منظم تنها در جداسازی بخش‌های مختلف حوزه پژوهشی خلاصه نمی‌شود. نگاهی به عناوین فصول، نشان می‌دهد اساس فصل‌بندی و دسته‌بندی بخش‌های مختلف، نقشه هولمز است. فصل‌بندی و ارائه حوزه‌های پژوهشی براساس بخش‌های مختلف نقشه هولمز که تاکنون جامع‌ترین تصویر از مطالعات ترجمه را به

دست داده، ساختاری نظام‌مند به این اثر داده است. همچنین این اثر به زبانی بسیار ساده و قابل فهم نگاشته شده است.

۴. بررسی و نقد محتوایی

در این بخش نخست نقاط قوت کتاب مورد نظر و سپس کاستی‌ها و نقاط ضعف آن خواهد آمد و در پایان ارزیابی کلی از این اثر ارائه خواهد شد. یکی از نقاط قوت این کتاب آن است که چالش‌های احتمالی پیش روی پژوهش‌گران مبتدی را به خوبی بیان می‌کند. برای مثال، یکی از چالش‌های ذکر شده که پژوهش‌گران مبتدی با آن روبه‌رو هستند، عنصر نگاه انتقادی است. برقراری تعادل بین خوانش انتقادی منابع مورد مطالعه و ترس از نام و جایگاه نویسنده از چالش‌های مهمی است که پژوهش‌گران مبتدی با آن روبه‌رو هستند. نمونه دیگر چالش، میزان استفاده از کلمات نویسنده و نیفتادن در دام سرقت ادبی است. رسیدن به مطلوب مورد نظر در امر میزان استفاده از واژگان و مفاهیم دیگران و نیز اتخاذ جایگاهی مناسب بین خوانش انتقادی و پذیرفتن بی‌چون و چرای مفاهیم و ایده‌های دیگران مستلزم گذشت زمان و کسب تجربه است.

نقطه قوت دیگر این اثر آن است که از بیان نظرات متفاوت، پیچیده و جنجالی در مورد ماهیت روش‌شناسی‌ها و تعریف مفاهیم پرهیز شده و تنها به یک یا دو تعریف اکتفا شده است. برای مثال، در تعریف مدل، نویسندگان به «بازنمود واقعیت» (Saldanha and O'Brien, 2013: 12) بسنده می‌کنند یا نظریه را «مجموعه مفاهیم مورد استفاده جهت تعریف و توضیح یک پدیده» تعریف می‌کنند و تنها به تعریف چسترمن (Chesterman, 2007: 1) اشاره می‌کنند که نظریه را «ابزار فهم» می‌داند. اگرچه در ظاهر این رویکرد با ماهیت آموزش پژوهش در دوره‌های ارشد و دکتری قدری تفاوت دارد و می‌باید فلسفه و ابعاد مختلف مفاهیم و روش‌شناسی پژوهش عمیق‌تر مورد بحث قرار گیرد، نگاهی به هدف نویسندگان و جایگاه مطالعات ترجمه، آن را توجیه می‌کند. براساس مقدمه این کتاب (صص. ۲-۹)، نویسندگان میزان آشنایی پژوهش‌گران با امر پژوهش را مد نظر داشته و امیدوارند این کتاب برای دانشجویان دوره دکتری، کارشناسی ارشد و حتی کارشناسی مفید باشد. این دو همچنین از ماهیت میان‌رشته‌ای بودن مطالعات ترجمه غافل نبوده و معتقدند پژوهش‌گرانی با سوابق و پیش‌زمینه‌های علمی مختلفی در این حوزه پژوهشی فعالیت می‌کنند. به نظر می‌رسد این دو مهم، نویسندگان را بر آن داشته تا هم، بنابر ادعای خود، طیف وسیعی از روش‌ها را

مد نظر قرار دهند و هم در صدد باشند تصویری شفاف از مفاهیم در ذهن پژوهش‌گر ایجاد کنند.

برجستگی و توجه ویژه به برخی از موضوعات مطالعات ترجمه از دیگر نقاط قوت این کتاب است. برای مثال، در فصل دوم مطالب مفید و مبسوطی درباره کیفیت و اخلاق پژوهش ارائه شده است. مثال دیگر، پژوهش‌های مبتنی بر پیکره و تحلیل انتقادی گفتمان است. فصل سوم این کتاب، به تفصیل به بیان ویژگی‌های تحلیل انتقادی و تحلیل انتقادی گفتمان پرداخته و نقاط ضعف و قوت تحلیل انتقادی گفتمان و زبان‌شناسی پیکره‌ای را بیان کرده است. نوع‌شناسی پیکره‌های مناسب پژوهش مطالعات ترجمه و شیوه ایجاد پیکره و طراحی پژوهش‌های مرتبط به‌طور مبسوط شرح داده شده است. در واقع فصل سوم که به پژوهش‌های فرآورده-محور اختصاص یافته، تنها متشکل از سه موضوع کلی تحلیل انتقادی گفتمان، زبان‌شناسی پیکره‌ای و سنجش ترجمه است.

این کتاب در بسیاری از موارد، برای یک بخش یا یک فصل، مثال‌های واحد و ملموسی ارائه می‌کند. چنانکه برای مثال، در فصل ششم برای تبیین ویژگی‌ها و معرفی حدود مطالعات موردی، از چند پژوهش واحد استفاده کرده و در تمام فصل، همان مثال‌ها به‌کارگرفته شده و هر بار به بُعد جدیدی از آن‌ها اشاره می‌شود. نمونه دوم، به‌کار بردن یک مثال واحد جهت تبیین و تفهیم مفاهیم کلی پژوهش است. نویسندگان در فصل دوم برای درک بهتر مفاهیم اصلی پژوهش نظیر نظریه، چارچوب، مدل، روش‌شناسی، روش و ابزار پژوهش، فرآیند ترجمه را مثال می‌زنند و حتی در بخش‌های بعدی سعی دارند با استفاده از همین مثال و بیان ابعاد جدید آن، نوع سؤال‌ها و فرضیه‌های ممکن را بیان کنند. این کار، به درک بهتر و سریع‌تر مفاهیم کمک بسزایی می‌کند.

زبان کتاب دستوری و به‌گونه‌ای نیست که الزام به همراه داشته باشد و از بایدها و نبایدهای دستوری حرف نمی‌زند. در این کتاب سعی بر آن بوده تا روند نظام‌مند انجام پژوهش را با روشی منطقی و قابل فهم و با توضیح و تبیین علل و پیامدهای به‌کارگیری اصول مربوط بیان کند. به عبارتی، این کتاب از بایدها و نبایدها و تکنیک‌های عملی پژوهش فراتر رفته و به رویکردها و ویژگی‌های پژوهش اشاره می‌کند. برای مثال، در عوض تجویز و ارائه فهرستی از بایدها و نبایدهای نگاشتن و ارائه «پیشینه پژوهشی» مطلوب، ویژگی‌های پیشینه پژوهش خوب را که نتیجه آن

رسیدن به چارچوبی مناسب و سؤالی دقیق و مفید است، تبیین می‌کند. مزیت این کار این است که باعث می‌شود پژوهش‌گر با شیوه نظام‌مند پژوهش و فلسفه رعایت برخی نکات آشنا شده و در برخورد با مشکلات پیش روی پژوهش، انعطاف بیشتری داشته باشد.

از جمله کاستی‌های این کتاب این است که رویکرد کمی، کیفی و ترکیبی را به‌طور گسترده مورد بحث قرار نداده و تنها به تبیین مسائل کلی این رویکردها بسنده کرده است. نظر به اینکه شناخت این سه رویکرد اهمیت ویژه‌ای برای پژوهش‌گران به‌ویژه مبتدیان دارد، شایسته بود با ارائه مثال‌های گوناگون از حوزه مطالعات ترجمه، ماهیت و ویژگی‌های آن‌ها را در یک بخش خاص بیشتر مورد بررسی و بحث قرار دهد.

کتاب مورد نظر، به اذعان خود نویسندگان، روش‌شناسی پژوهش‌های تجربی را به‌طور اصلی مد نظر قرار داده و به روش‌ها و رویکردهای پژوهش مفهومی نپرداخته است. یقیناً پرداختن به این حوزه نیز می‌توانست کمک شایانی به یادگیری شیوه‌های پژوهشی نظام‌مند و سودمند در مطالعات ترجمه باشد. نکته دیگر در باب نقطه‌ضعف‌های این کتاب، به همان روش تجربی باز می‌گردد. در فصول و بخش‌های مختلف این کتاب، عمده توجه نویسندگان به روش کیفی پژوهش تجربی معطوف است؛ به این معنا که آنگونه که مفصل و عمیق به بحث‌های روش‌های کیفی پرداخته شده، مباحث روش کمی و آماری از عمق لازم برخوردار نیستند. این امر برای کسانی که پیشینه کافی در مباحث آماری ندارند، مشکل‌آفرین بوده و درک مطالب آموزشی مورد نظر را پیچیده می‌سازد. برای مثال، ارائه توضیحات مختصر در مباحث آماری و تحلیل استنباطی مانند تحلیل واریانس (ANOVA) که نویسندگان آن را برای داده‌های اسمی (nominal data) مناسب می‌دانند در حالیکه آزمون t (t -test) را برای داده‌های فاصله‌ای (interval data) یا نسبی (ratio data) معرفی می‌کنند (Saldanha and O'Brien, 2013: 200)، ابهام‌آفرین بوده و باعث گمراهی خواننده می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

کتاب روش‌شناسی پژوهش در مطالعات ترجمه در هفت فصل و با هدف تهیه منبعی جامع در زمینه پژوهش‌های مطالعات ترجمه و پرداختن به شیوه‌های نوین پژوهش به‌کار رفته در این رشته نوپا، نگاشته شده است. با در نظر گرفتن این اهداف،

نویسندگان در صدد برآمده‌اند تمام حوزه‌های پژوهشی این رشته را تحت پوشش قرار دهند و در این زمینه نیز تا حدودی موفق بوده‌اند. فصل‌بندی و ارائه حوزه‌های پژوهشی براساس بخش‌های مختلف نقشه هولمز که تا کنون جامع‌ترین تصویر از مطالعات ترجمه را به دست داده، ساختاری نظام‌مند به این اثر داده است. این کتاب روش‌های پژوهش در سه حوزه اصلی مطالعات توصیفی ترجمه را محور قرار داده اما برخی روش‌ها بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. برای مثال، تلاش نویسندگان برای تبیین ماهیت پیکره‌ها و چگونگی طراحی پژوهش‌های مبتنی بر پیکره درخور ستایش است. این اثر به زبانی شیوا و روان نگاشته شده و از طرح نظریات چالش‌برانگیز درباره ویژگی‌های هر روش و نحوه به‌کارگیری آن‌ها پرهیز شده تا تصویری شفاف از روند انجام پژوهش در اختیار خواننده قرار دهد. اصطلاح‌شناسی پژوهش ترجمه موجز و شفاف بوده و از بایدها و نبایدهای الزام‌آور چگونگی انجام پژوهش در حد امکان پرهیز شده است. در کنار نکات مثبتی که به آن اشاره شد، رد شدن از کنار پژوهش‌های مفهومی و نپرداختن به آن و نیز تأکید و توجه عمده نویسندگان به روش کمی پژوهش را از جمله کاستی‌های این کتاب می‌توان بر شمرد. به‌طور کلی، همه این تلاش‌ها در جهت ارائه منبعی جامع و ساده برای استفاده پژوهش‌گران مطالعات ترجمه در سطح کارشناسی ارشد و دکتری بوده و با در نظر گرفتن هدف نویسندگان و تلاش آن‌ها می‌توان گفت نسبتاً در کار خود موفق بوده‌اند. به‌نظر می‌رسد در نبود منبعی تخصصی و البته بومی که ملاحظات فرهنگی و علایق پژوهش‌گر بومی را مد نظر قرار داده باشد، کتاب موجود برای تدریس در دوره‌های ارشد و دکتری در ایران مغتنم است.

منابع

- Alves, Fabio, Adriana Pagano, Stella Neumann, Erich Steiner, and Silvia Hansen-Schirra (2010). Translation units and grammatical shifts: Towards an integration of product and process research, In Gregory Shreve and Erik Angelone (Eds.), *Translation and cognition* (pp. 109-142), Amsterdam, Netherland: John Benjamins.
- Anderman, Gunilla (2007). Linguistics and translation, In Piotr Kuhlczak and Karin Littau (Eds.), *A companion to translation studies* (pp. 45-62), Clevedon, England: Multilingual Matters.

- Chesterman, Andrew (2007). "On the idea of a theory", *Across Languages and Cultures*, 8, 1, 1-16.
- Chesterman, Andrew (2009). "The name and nature of translator studies", *Hermes*, 42, 13-22.
- Fink, Arlene (2005). *Conducting research literature reviews: From the Internet to paper*, London, England: Sage.
- Holmes, James S. (1988). The name and nature of translation studies, In Lawrence Venuti (Ed.), *The translation studies reader* (pp.172-185), London, England: Routledge.
- Koskinen, Kaisa (2008). *Translating institutions: An ethnographic study of EU translation*, Manchester, England: St Jerome.
- Marco, Josep (2009). "Training translation researchers: an approach based on models and best practice", *The Interpreter and Translator Trainer*, 3, 1, 13-35.
- Munday, Jeremy (2001). *Introducing translation studies: Theories and applications*, London, England: Routledge.
- Newmark, Peter (2009). The linguistic and communicative stages in translation theory, In Jeremy Munday (Ed.), *The Routledge companion to translation studies* (pp. 20-35), London, England: Routledge.
- Saldanha, Gabriela, and Sharon O'Brien (2013). *Research methodologies in translation studies*, Manchester, England: St. Jerome.
- Saukko, Paula (2003). *Doing research in cultural studies: An introduction to classical and new methodological approaches*, London, England: Sage.
- Sturge, Kate (2004). *The alien within: Translation into German during the Nazi Regime*, Munich, Germany: Iudicium.
- Susam-Sarajeva, Şebnem (2006). *Theories on the move: Translation's role in the travels of literary theories*, Amsterdam, Netherlands: Rodopi.
- Venuti, Lawrence (2000). 1940s–1950s, In Lawrence Venuti (Ed.), *The Translation Studies Reader*, London, England: Routledge.
- Williams, Jenny, and Andrew Chesterman (2002). *The map: A beginner's guide to doing research in translation studies*, Manchester, England: St. Jerome.